

بکشمبه  
۱۳  
۲  
۱۴۰۵

وضعیت نگران کننده بازار کار زیر فشار جنگ و رکود؛

از تعدیل نیرو

تا کاهش دستمزد

۷

اعلام پایان جنگ، مانور حقوقی ترامپ برای آغاز جنگ اقتصادی علیه ایران

## پشت پرده نقشه «دونالد ترامپ» علیه «ایران»

۲

گزارش

ابرشوک انرژی در راه است؛

## جهان برای یک بحران بزرگ آماده می‌شود؟



جهان با موج تازه‌ای از بی‌ثباتی اقتصادی روبه‌رو شده و افزایش قیمت انرژی، از نفت تا گاز، در حال تبدیل شدن به موتور یک بحران زنجیره‌ای است. گزارش جدید بانک جهانی هشدار می‌دهد که این شوک می‌تواند هم‌زمان تورم، رکود و ناامنی غذایی را در سطح جهانی تشدید کند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- بازار جهانی انرژی بار دیگر در آستانه یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است.

گزارش

## بهره‌برداری از نیروگاه خورشیدی ۱۲ مگاواتی تربت جام



نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۲ مگاوات امروز هم‌زمان با فرا رسیدن «روز ایمنی صنعت برق» طی مراسمی با حضور استاندار خراسان رضوی و مدیرعامل ساتبا در تربت جام بهره‌برداری شد.

به گزارش ایرنا، استاندار خراسان رضوی پنجشنبه گذشته در این مراسم گفت: این طرح با سرمایه‌گذاری شرکت «توس فیوز» و با تکیه بر توان داخلی اجرا شده است.

از غزه تا تهران:

## چگونه اسرائیل حافظه تاریخی

## ملت‌ها را پاک می‌کند؟



## پشت پرده حضور رئیس مجلس در خط مقدم دیپلماسی

نظریه‌های متفاوت داخلی به‌خصوص آنجا نظرات تندتر است، برای بالا بردن قدرت چانه‌زنی خود استفاده می‌کنند.

برای نمونه، زمانی من عضو گروه دوستی پارلمانی ایران و ایتالیا بودم. منافقین آمده بودند جلوی پارلمان ایتالیا رفته و صحبتی کرده بودند. ما این گلابه را مطرح کردیم، اما متولی دولت ایتالیا حرفش این بود که: ما تفکیک قوا داریم. موضع رسمی کشور ما از طریق وزارت خارجه اعلام می‌شود و سیاست ما هم در ارتباط با دولت جمهوری اسلامی مشخصاً این است. بنابراین دولت ایتالیا نمی‌آمد به صرف اینکه با کشوری رابطه دارد به نماینده نمی‌گوید که شما دارید روابط را خدشه‌دار می‌کنید.

که حرف‌ها زده شود اما به مناقشه کشیده نشود. ببینید، من یک زمانی در مجلس دهم (خب حالا بحث برجام و این‌ها در مجلس نهم تصویب شده بود و ادامه‌اش آمده بود مجلس دهم) از بعضی آقایان که متولی امر سیاست خارجی بودند گلابه داشتم. به آن‌ها گفتم: «ببینید، شما با دشمنان ملت می‌نشینید و بگو و بخند می‌کنید، اما تا یکی در داخل، به حق یا ناحق، انتقادی می‌کند، یک‌دفعه پرخاش می‌کنید. یکی می‌گفت برو به جهنم، آن یکی می‌گفت این‌ها دلواپس هستند؛ این درست نیست.

بعد برایشان مثال زدم و گفتم که ببینید، در همه جای دنیا معمولاً دولت‌ها و آن کسی که متولی امر سیاست خارجی است، در مذاکرات از

شود، خانه مذاکره‌کنندگان را روی سرشان خراب می‌کنند. چرا دوباره این فضا شکل گرفته است؟

به حکم تدبیر و منطق، پیام کلان خارجی ما باید یک تک‌صدایی داشته باشد؛ در این هیچ بحثی نیست. یعنی حاکمیت قطعاً باید کاری کند که کسانی که آن طرف مرزها هستند از حاکمیت یک پیام را بشنوند؛ در این هیچ شکی نیست. این نکته اول که بسیار هم مهم است. نکته دوم، این خط‌کشی‌ها و نوع برخورد با دیدگاه‌های مختلفی است که در داخل و در مورد سیاست خارجی وجود دارد. ما در گذشته هم این را داشتیم. من فکر می‌کنم دستگاه دیپلماسی ما اولاً از نگاه منتقدین خوب استفاده نکرده و بعد هم نتوانسته به یک چارچوبی برسد

محسن کوهکن، نماینده ادوار مجلس، با تأکید بر لزوم یک‌صدایی حاکمیت در سیاست خارجی، معتقد است دستگاه دیپلماسی باید از انتقادات داخلی به‌عنوان اهرمی برای افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات استفاده کند. این فعال سیاسی اصولگرا ترکیب فعلی هیئت مذاکره‌کننده و حضور قالیباف در کنار دولت پژوهشگران را تدبیری هوشمندانه برای ایجاد وفاق و کاهش حساسیت‌ها دانست. مشروح گفت‌وگوی خبرنگار آنلاین با محسن کوهکن را در ادامه بخوانید؛

\* در شرایط کنونی جریان تندرو مجدداً دارد جان می‌گیرد و میدان‌دار می‌شود. در آخرین مورد شاهد این بودیم که یکی از نماینده‌ها تهدید کرده که اگر میز مذاکره دلت‌باری چیده

فعال سیاسی اصولگرا گفت: دستگاه دیپلماسی ما اولاً از نگاه منتقدین خوب استفاده نکرده و بعد هم نتوانسته به یک چارچوبی برسد که حرف‌ها زده شود اما به مناقشه کشیده نشود. برخی جریان‌های سیاسی در ایران به به کلمه مذاکره انرژی پیدا کرده‌اند که این انرژی جنگ و صلح نمی‌شناسد. هم زمانی که مذاکرات سعدآباد بین ایران و سه کشور اروپایی در جریان بود این انرژی خود را نشان داد و هم در سال‌های اخیر، اوج تشدید این انرژی از زمان مذاکرات هسته‌ای ایران و ۱+۵ که به برجام ختم شد نمود نمود پیدا کرد. حتی حالا هم که محمدباقر قالیباف که از تبار نظامیان و اصولگرایان است به مذاکره رفته این واکنش انرژی دامن او را گرفته است.

نظرسنجی مشترک ایپسوس، ای‌بی‌سی نیوز و واشنگتن‌پست نشان می‌دهد جنگ ترامپ علیه ایران به یکی از نامحبوب‌ترین کارزارهای نظامی آمریکا در دهه‌های اخیر تبدیل شده است. ۶۱ درصد آمریکایی‌ها استفاده از نیروی نظامی را اشتباه می‌دانند و کمتر از ۲۰ درصد آن را موفق ارزیابی می‌کنند. افزایش قیمت انرژی، نگرانی از رکود، بسته‌ماندن تنگه هرمز، تردید درباره مهار برنامه هسته‌ای ایران و شکاف در پایگاه جمهوری خواهان، فشار سیاسی و اقتصادی سنگینی بر دولت ترامپ وارد کرده است.

به گزارش فارو به نقل از روزنامه واشنگتن پست، جنگی که دونالد ترامپ علیه ایران آغاز کرده، اکنون در نگاه افکار عمومی آمریکا به یکی از نامحبوب‌ترین کارزارهای نظامی چند دهه اخیر تبدیل شده است. بر اساس نظرسنجی مشترک ایپسوس، ای بی سی نیوز و واشنگتن پست، میزان مخالفت با این جنگ به سطحی رسیده که آن را در کنار جنگ عراق در اوج خشونت‌های سال ۲۰۰۶ و جنگ ویتنام در اوایل دهه ۱۹۷۰ قرار می‌دهد. این نارضایتی در شرایطی شدت گرفته که فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ رو به افزایش است و نگرانی‌ها درباره پیامدهای امنیتی آن از جمله احتمال گسترش تروریسم در میان مردم آمریکا بیشتر شده است.

بر پایه این نظرسنجی، ۶۱ درصد آمریکایی‌ها معتقدند استفاده از نیروی نظامی علیه ایران اشتباه بوده است. کمتر از دو نفر از هر ده آمریکایی باور دارند که اقدامات ایالات متحده در ایران موفقیت‌آمیز بوده است. در مقابل، حدود چهار نفر از هر ده نفر این اقدامات را ناموفق ارزیابی می‌کنند و چهار نفر دیگر نیز می‌گویند هنوز برای قضاوت زود است. این ارقام، تصویری روشن از یک تلاش جنگی عمیقاً نامحبوب ارائه می‌دهند؛ جنگی که هم‌زمان با افزایش هزینه‌های اقتصادی، دولت ترامپ را در موقعیتی دشوار قرار داده است. کاخ سفید تلاش می‌کند افکار عمومی را قانع کند که وضعیت زندگی مردم در دوران ترامپ بهتر از دوران دموکرات‌ها بوده است، اما جنگ ایران این روایت را تضعیف می‌کند.

با وجود نارضایتی گسترده افکار عمومی آمریکا از جنگ ایران، حمایت از این کارزار نظامی در میان جمهوری خواهان همچنان در سطحی بالا باقی مانده است. بر اساس داده‌های نظرسنجی، ۷۹ درصد از کسانی که خود را جمهوری خواه معرفی می‌کنند، معتقدند تصمیم دولت برای اقدام نظامی علیه ایران درست بوده است. اما تصویر در میان مستقل‌های متمایل به جمهوری خواهان پیچیده‌تر است. این گروه تقریباً

به دو بخش تقسیم شده‌اند: ۵۲ درصد تصمیم به اقدام نظامی علیه ایران را درست می‌دانند، در حالی که ۴۶ درصد آن را اشتباه ارزیابی می‌کنند. در همین حال، مواضع اخیر دونالد ترامپ نشانه‌هایی از طولانی شدن بن‌بست با ایران را آشکار کرده است. او روز چهارشنبه اعلام کرد که قصد دارد رهبران ایران را «وادر به تسلیم» کند و تأکید کرد: «هرگز توافقی در کار نخواهد بود مگر اینکه آن‌ها بپذیرند هیچ سلاح هسته‌ای وجود نخواهد داشت.» در مقابل، رهبران ایران که سال‌هاست دستیابی به سلاح هسته‌ای را انکار می‌کنند مسیر متفاوتی را پیشنهاد کرده‌اند. تهران می‌گوید در پی دستیابی به یک توافق اولیه برای پایان دادن به جنگ و بازگشایی تنگه هرمز است؛ یکی از حساس‌ترین گلوگاه‌های تجارت جهانی که بسته‌ماندن آن، اقتصاد جهانی را زیر فشار شدید قرار داده است. از نگاه ایران، پس از تثبیت آتش‌بس و بازگشت کشتیرانی به مسیر عادی، می‌توان وارد گفت‌وگوهای هسته‌ای شد.

### ترامپ میان بازارهای جهانی و پرونده هسته‌ای ایران؛ بهای اقتصادی یک تصمیم جنگی

رئیس‌جمهور روز چهارشنبه، پس از آنکه دور نخست مذاکرات در اوایل آوریل بدون دستیابی به توافق پایان یافت، مذاکرات رودرو با ایران را فعلاً منتهی دانست. او جنگ را به‌طور نامحدود متوقف کرده است، اما این توقف نه به معنای پایان بحران است و نه نشانه بازگشت آرامش به بازارهای جهانی. با توقف تقریباً کامل تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز، ذخایر جهانی نفت رو به کاهش گذاشته و فشار بر بازار انرژی همچنان ادامه دارد. در همین حال، معاملات آتی نفت برنت، شاخص جهانی قیمت نفت، روز پنجشنبه ۳.۷ درصد کاهش یافت و از بالاترین سطح خود از سال ۲۰۲۲ فاصله گرفت.

ترامپ روز پنجشنبه گفت تصمیم گرفته است پیامدهای اقتصادی کوتاه‌مدت را به‌عنوان بهای جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بپذیرد. او در کاخ سفید به خبرنگاران گفت: «وقتی شاخص داو جونز به ۵۰ هزار و S&P به ۷ هزار رسید، با خودم گفتم: باید کاری درباره ایران انجام دهیم. از اینکه این کار را با مردم خودم می‌کردم متنفر بودم... بعد به کوین هست گفتم: بابت این موضوع متأسفم، کوین، اما باید این کار را انجام دهیم؛ باید آتشی را خاموش کنیم و این آتش در کشور دوست‌داشتنی ایران شعله‌ور است. و آن‌ها می‌خواهند سلاح هسته‌ای داشته باشند.» با وجود تردیدهای گسترده نسبت به جنگ، آمریکایی‌ها درباره مسیر توافقی با ایران نیز

یکدست نیستند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد ۴۸ درصد ترجیح می‌دهند «با ایران توافق صلحی امضا شود، حتی اگر به توافقی بدتر برای آمریکا منجر شود». در مقابل، ۴۶ درصد می‌خواهند «برای دستیابی به توافقی بهتر بر ایران فشار وارد شود، حتی اگر این به معنای ازسرگیری اقدام نظامی آمریکا علیه ایران باشد.» مستقل‌های سیاسی با نسبت ۵۰ به ۳۹ درصد ترجیح می‌دهند توافق صلحی را بپذیرند که حتی اگر برای آمریکا مطلوب‌تر نباشد، به جنگ پایان دهد. دموکرات‌ها نیز با اکثریتی چشمگیرتر، یعنی ۷۶ درصد، چنین رویکردی را ترجیح می‌دهند. در مقابل، جمهوری خواهان مسیری کاملاً متفاوت را برگزیده‌اند: ۷۹ درصد آنان خواهان ادامه فشار بر ایران برای دستیابی به توافقی بهتر هستند، حتی اگر این فشار به معنای ازسرگیری اقدام نظامی باشد.

تهدید بی‌سابقه ترامپ و موج مخالفت در آمریکا در چنین فضایی، تهدید تند و بی‌سابقه ترامپ در ۷ آوریل نیز به‌شدت نامحبوب از آب درآمد. او پیش از توافقی آتش‌بس هشدار داده بود که اگر ایران با آمریکا به توافق نرسد، «مشب یک تمدن کامل خواهد مرد و هرگز باز نخواهد گشت.» این پیام، به‌جای آنکه افکار عمومی را پشت رئیس‌جمهور بسیج کند، واکنشی عمدتاً منفی برانگیخت: فقط ۲۱ درصد از آمریکایی‌ها به آن واکنش مثبت نشان دادند، در حالی که ۷۶ درصد نگاه منفی داشتند. حتی در میان جمهوری خواهان نیز این تهدید شکاف ایجاد کرد. ۵۷ درصد از جمهوری خواهان خودخوانده ماگا با آن همراهی کردند، اما ۷۹ درصد از جمهوری خواهان غیرماگا واکنشی منفی نشان دادند.

اهمیت این ارقام زمانی بیشتر می‌شود که جنگ ایران در کنار دو تجربه تلخ تاریخی آمریکا قرار گیرد: جنگ عراق و جنگ ویتنام. هر دو جنگ، در زمان خود جامعه آمریکا را به‌شدت قطبی کردند و در نهایت در حافظه عمومی این کشور به‌عنوان منازعاتی شکست‌خورده یا دست‌کم پرهزینه و بی‌فراجم باقی ماندند. اما نکته چشمگیر این است که رسیدن جنگ عراق به سطح مخالفتی که جنگ ایران تنها در دو ماه به آن رسیده، سال‌ها زمان برد. بر اساس نظرسنجی‌های گالوپ، در اواسط سال ۲۰۰۶، ۵۹ درصد آمریکایی‌ها گفتند جنگ عراق اشتباه بوده است. رقمی مشابه نیز در اوایل دهه ۱۹۷۰ درباره جنگ ویتنام ثبت شد.

در آن جنگ‌ها، تلفات انسانی آمریکا بسیار سنگین‌تر بود. تا سال ۱۹۷۱، بیش از ۵۰ هزار

# چرا افکار عمومی آمریکا با جنگ ایران همراه نیست؟

آمریکایی در ویتنام کشته شده بودند؛ همان زمانی که گالوپ گزارش داد ۶۱ درصد مردم اعزام نیرو به آن جنگ را اشتباه می‌دانند. در عراق نیز تا آوریل ۲۰۰۶، یعنی یک ماه پیش از نظرسنجی واشنگتن‌پست ای‌بی‌سی نیوز که نشان داد ۵۹ درصد آمریکایی‌ها جنگ عراق را اشتباه می‌دانند، ۲۴۰۲ نظامی آمریکایی کشته شده بودند و ارتش آمریکا درگیر برخی از خونین‌ترین نبردهای آن جنگ بود. در مقابل، پنتاگون تاکنون مرگ ۱۳ نظامی آمریکایی را در جنگ علیه ایران اعلام کرده است.

آمریکایی‌ها همچنین اطمینان ندارند که این جنگ بتواند به هدف اصلی اعلام‌شده ترامپ یعنی جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، دست یابد. ۶۵ درصد مردم اطمینان ندارند که توافقی برای پایان دادن به جنگ بتواند مانع توسعه سلاح هسته‌ای توسط ایران شود؛ رقمی نزدیک به ۶۴ درصدی که درباره توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ دولت اوباما نیز تردید مشابهی داشتند. با این حال، ترامپ روز پنجشنبه مدعی شد توافق نزدیک است.

تصمیم ترامپ برای حمله به ایران، بخشی از آمریکایی‌ها را نیز غافلگیر کرده است؛ به‌ویژه کسانی که باور دارند این اقدام با وعده‌های انتخاباتی او در سال ۲۰۲۴ برای دور نگه داشتن آمریکا از جنگ‌های خارجی همخوانی ندارد. فقط ۲۲ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند اقدامات ترامپ علیه ایران با مواضع انتخاباتی او سازگار است، در حالی که ۴۶ درصد آن را ناسازگار می‌دانند و ۳۰ درصد نیز مطمئن نیستند. حتی در میان جمهوری خواهان نیز اجماع کامل وجود ندارد. حدود نیمی از آنان می‌گویند اقدامات ترامپ با مواضع انتخاباتی‌اش همخوانی دارد، اما دو نفر از هر ده نفر معتقدند او برخلاف وعده‌های خود عمل کرده و حدود سه نفر از هر ده نفر نیز مطمئن نیستند.

هزینه‌های جنگ ایران برای ترامپ؛ از کاهش ذخایر مهمات تا سقوط اعتماد اقتصادی جنگ ایران اکنون فقط افکار عمومی آمریکا را نگران نکرده، بلکه در درون دولت ترامپ نیز پرسش‌ها و تردیدهایی جدی برانگیخته است. جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور و کهنه‌سرباز جنگ عراق که پیش‌تر بارها از اعزام‌های نظامی آمریکا به خاورمیانه انتقاد کرده بود، روز چهارشنبه در مصاحبه‌ای با فاکس نیوز اذعان کرد که نسبت به کاهش ذخایر مهمات آمریکا در نتیجه این جنگ نگران بوده است؛ هرچند تلاش کرد اختلافات گسترده‌تر درون دولت را کم‌اهمیت جلوه دهد. ونس در این مصاحبه



گفت: «البته که نگران آمادگی رزمی هستم، چون وظیفه من همین است که نگران آن باشم.» در همین حال، پیامدهای اقتصادی جنگ به زندگی روزمره آمریکایی‌ها نیز رسیده و بسیاری از آنان را به تغییر رفتار واداشته است. بر اساس داده‌های نظرسنجی، ۶۰ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند اقدام نظامی آمریکا خطر ورود اقتصاد به رکود را افزایش داده است. این نگرانی فقط نظری و انتزاعی نیست؛ بلکه در تصمیم‌های روزانه مردم، از رانندگی تا سفر و هزینه‌های خانوار، خود را نشان داده است. بیش از چهار نفر از هر ده آمریکایی می‌گویند افزایش قیمت بنزین باعث شده کمتر رانندگی کنند و هزینه‌های خانوار را کاهش دهند.

نیمی از آمریکایی‌ها فکر می‌کنند قیمت بنزین در سال آینده بدتر خواهد شد؛ در حالی که فقط ۲۱ درصد انتظار بهبود دارند و ۱۵ درصد معتقدند قیمت‌ها تقریباً در همین سطح باقی خواهد ماند. از ماه فوریه تاکنون، سهم آمریکایی‌هایی که می‌گویند «از نظر مالی عقب افتاده‌اند» از ۱۷ درصد به ۲۳ درصد افزایش یافته است. هم‌زمان، سهم کسانی که می‌گویند نسبت به آغاز ریاست‌جمهوری ترامپ «وضعیت بهتری ندارند» از ۳۳ درصد به ۴۰ درصد رسیده است. این تغییرات از آن جهت مهم است که حمله به ایران در ۲۸ فوریه آغاز شد و جنگ اکنون به یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده احساس اقتصادی مردم تبدیل شده است.

در میان سفیدپوستان فاقد مدرک دانشگاهی، سهم کسانی که می‌گویند وضعیت بهتری ندارند ۹ واحد درصد افزایش یافته است. در میان مستقل‌های متمایل به جمهوری خواهان نیز این رقم ۱۳ واحد درصد بالا رفته است. این همان بخش‌هایی از ائتلاف ترامپ هستند که در سال ۲۰۲۴ از او حمایت کردند، اما اکنون درباره مدیریت او در جنگ ایران دیدگاهی دوگانه و محتاطانه دارند. نگرانی‌ها فقط اقتصادی نیست. آمریکایی‌ها همچنین نگران‌اند که اقدامات ترامپ امنیت آنان را کاهش داده باشد. ۶۱ درصد معتقدند اقدام نظامی آمریکا در ایران خطر تروریسم علیه آمریکایی‌ها را افزایش داده است. علاوه بر این، ۵۶ درصد آمریکایی‌ها می‌گویند اقدامات آمریکا خطر تضعیف روابط با متحدان ایالات متحده را افزایش می‌دهد. این نگرانی در شرایطی مطرح می‌شود که ترامپ به متحدان اروپایی که راهبرد واشنگتن در قبال ایران را زیر سؤال برده‌اند، حمله کرده و متحدان عربی خلیج فارس نیز از اقدامات تلافی‌جویانه ایران آسیب دیده‌اند.

## اعلام پایان جنگ، مانور حقوقی ترامپ برای آغاز جنگ اقتصادی علیه ایران

# پشت پرده نقشه «دونالد ترامپ» علیه «ایران»

پیش می‌رود، به‌خوبی می‌داند رأی‌دهندگانی که به او اختیار داده، از او در داخل کشور معجزه‌های اقتصادی می‌خواهد. در سوی دیگر، فرضیه «تشدید تنش نظامی» به‌عنوان تنها ابزار برای وادار کردن تهران به عقب‌نشینی مطرح می‌شود؛ تهرانی که نشان داده در برابر تحریم‌های اقتصادی، تجربه و توان پایداری دارد.

در اینجا سخن از یک تهاجم زمینی گسترده در میان نیست، بلکه بحث بر سر «جنگ فرسایشی راهبردی» است؛ جنگی که هدف آن شکستن ستون فقرات نفوذ منطقه‌ای ایران است. کارشناسان امور سیاسی و راهبردی می‌گویند ترامپ ممکن است به «ساختن یک پیروزی» روی آورد؛ یعنی هرگونه عقب‌نشینی از راه، حتی اگر صرفاً شکلی و ظاهری باشد، برانگیزاننده کند. از نگاه او، گرفتن یک «تعهد شفاف» یا توقف موقت برخی فعالیت‌های هسته‌ای کافی است تا در برابر جهان ظاهر شود و از «معامله بزرگ» سخن بگوید.

اعلام پایان جنگ در بُعد «نظامی»، در واقع اعلام آغاز «جنگ بزرگ اقتصادی» است.

### ترامپ و وسوسه «پیروزی ساختگی» در برابر ایران

دولت آمریکا امروز خود را در برابر دشوارترین آزمسون «راده‌ها» در چند دهه اخیر در خاورمیانه می‌بیند. در حالی که راهبرد نهایی کاخ سفید در قبال تهران همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، نشانه‌های رویارویی‌ای در حال شکل‌گیری است که از دیپلماسی سنتی فراتر می‌رود و رئیس‌جمهور ترامپ را در برابر دو گزینه سرنوشته‌ساز قرار می‌دهد: یا اعلام یک «پیروزی تبلیغاتی» یک‌جانبه یا «تشدید تنش نظامی» با هدف گرفتن امتیاز از ایران از راه زور. گزینه پیروزی یک‌جانبه، قلب تپنده دکترین عمل‌گرایانه ترامپ را تشکیل می‌دهد؛ دکترینی که جنگ‌های پایان‌ناپذیر فرسایشی بی‌دلیل برای سرمایه‌سیاسی و اقتصادی آمریکا می‌داند. ترامپ که با وسواس شاعر «اول آمریکا»

نظامی را از «وضعیت جنگ» به «وضعیت بازدارندگی و ثبات» تغییر می‌دهد؛ وضعیتی که در مدیریت پرونده منازعه، انعطافی بی‌سابقه و فراتر از گذشته برای او فراهم می‌کند، آن هم بدون محدودیت‌های قانون‌گذاری.

در همین چارچوب، تحلیلگران این تحول را چنین تفسیر می‌کنند که ترامپ در حال پیروی از چیزی است که می‌توان آن را «استراتژی شوک و عقب‌نشینی تاکتیکی» نامید. تحلیلگران تأکید می‌کنند که ترامپ به‌خوبی می‌داند جنگ سنتی پرهزینه است، منابع را فرسوده می‌کند و محبوبیت سیاسی را کاهش می‌دهد؛ از همین رو ترجیح می‌دهد آن را با یک «محاصره ساختاری خاموش» جایگزین کند. این محاصره با هدف فلج کردن مفاصل دولت ایران بدون شلیک حتی یک گلوله طراحی شده است. واشنگتن در این مسیر بر این شرط‌بندی می‌کند که زمان به سود آمریکا عمل خواهد کرد و توان اقتصادی و اجتماعی رقیب به‌تدریج فرسوده خواهد شد. از این منظر،

ایران «پایان یافته است»، نه به‌عنوان اعلام صلحی فراگیر، بلکه همچون یک بمب راهبردی بود که بار دیگر معادلات حقوقی، نظامی و سیاسی را درهم ریخت.

اعلام پایان جنگ؛ مانور حقوقی ترامپ برای آغاز جنگ اقتصادی علیه ایران به گزارش فرارو، اعلام پایان جنگ با ایران در زمانی بسیار حساس صورت گرفته است؛ زمانی که ترامپ در داخل «کاپیتول هیل» با فشارهای فزاینده قانون‌گذاران درباره اختیارات جنگی و ضرورت کسب مجوز از کنگره برای هرگونه اقدام نظامی بلندمدت روبه‌رو است. از همین رو، کارشناسان مسائل سیاسی، راهبردی و نظامی بر این باورند که اعلام «پایان جنگ» در درجه نخست، یک مانور حقوقی زیرکانه است که هدف آن، خلع سلاح سیاسی مخالفان ترامپ از ابزار قانون اختیارات جنگی است.

به گفته کارشناسان، ترامپ با اعلام پایان عملیات نظامی، در هرگونه بازخواست حقوقی درباره ادامه آمادهاش نیروها را می‌بندد و حضور



اعلام پایان جنگ با ایران از سوی ترامپ بیش از آنکه نشانه صلح باشد، مانور حقوقی برای عبور از فشارهای کنگره و آغاز مرحله‌ای تازه از فشار اقتصادی ارزیابی می‌شود. واشنگتن با تبدیل وضعیت جنگی به بازدارندگی، می‌کوشد بدون محدودیت قانونی، تهران را زیر محاصره و فرسایش اقتصادی به امتیازدهی وادار کند. هم‌زمان، هزینه واقعی جنگ برای آمریکا تا حدود ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده و پیامدهای آن به اقتصاد و خانواده‌های آمریکایی نیز سرایت کرده است.

واشنگتن پس از اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره پایان جنگ، منطقه را در برابر فصل تازه‌ای از پیچیده‌ترین منازعات عصر جدید قرار داد. اطلاعات‌رسانی ترامپ به قانون‌گذاران کنگره مبنی بر اینکه جنگ علیه



# جهان برای یک بحران بزرگ آماده می شود؟



نیست. ساختارهای اقتصادی جهان، پس از سال‌ها بحران متوالی، همچنان شکننده هستند و ظرفیت محدودی برای جذب شوک‌های جدید دارند. در عین حال، برخی تحلیلگران معتقدند که این بحران می‌تواند فرصتی برای تسریع گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر باشد. افزایش قیمت سوخت‌های فسیلی، ممکن است سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک را توجیه‌پذیرتر کند و به کاهش وابستگی به منابع سنتی بینجامد.

## ایران در میانه ابرشوک؛ فرصت محدود،

### تهدیدهای پررنگ

برای ایران، این «ابرشوک انرژی» هم‌زمان واجد دو چهره متناقض است؛ از یک‌سو، افزایش قیمت جهانی نفت می‌تواند به بهبود درآمدهای ارزی منجر شود و فضای تنفسی بیشتری برای بودجه دولت فراهم کند، اما از سوی دیگر، محدودیت‌های ساختاری و تحریمی باعث می‌شود بهره‌برداری از این فرصت، کامل و پایدار نباشد.

در شرایطی که به‌بازار جهانی با اختلال در مسیرهایی مانند تنگه هرمز مواجه است، اهمیت ژئوپلیتیک ایران به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی منطقه افزایش یافته، اما هم‌زمان ریسک‌های امنیتی و هزینه‌های مبادله نیز بالا رفته است. تحلیل برخی رسانه‌های داخلی نشان می‌دهد که حتی با فرض افزایش قیمت نفت، چالش‌هایی مانند تخفیف‌های صادراتی، محدودیت در دسترسی به سیستم مالی جهانی و هزینه‌های دور زدن تحریم‌ها، مانع از آن می‌شود که ایران به‌طور کامل از جهش قیمت‌ها منتفع شود.

در کنار این، افزایش قیمت انرژی در داخل کشور نیز می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم از مسیر رشد هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل، فشار تورمی را تشدید کند؛ به‌ویژه در شرایطی که اقتصاد ایران پیشاپیش با تورم مزمن مواجه است.

از سوی دیگر، افزایش قیمت جهانی گاز و فرآورده‌های مرتبط، بر بازار کودهای شیمیایی و در نتیجه بخش کشاورزی نیز اثرگذار خواهد بود؛ موضوعی که می‌تواند امنیت غذایی را در داخل کشور نیز تحت تأثیر قرار دهد. برخی تحلیلگران اقتصادی معتقدند که در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری هوشمندانه در حوزه انرژی، از جمله مدیریت مصرف داخلی، اصلاح تدریجی یارانه‌ها و توسعه زیرساخت‌های صادراتی، اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. در غیر این صورت، ایران ممکن است در میانه یک فرصت تاریخی، با تداوم چالش‌های ساختاری، سهم محدودی از منافع این بازار پر تنش داشته باشد.

به بیان دیگر، ابرشوک جهانی انرژی برای ایران نه یک فرصت قطعی، بلکه یک «پنجره مشروط» است؛ پنجره‌ای که بهره‌برداری از آن، بیش از هر چیز به نحوه مدیریت داخلی و تعامل با اقتصاد جهانی وابسته است.

## اقتصاد جهانی در لبه یک تحول

آنچه امروز در بازار انرژی رخ می‌دهد، صرفاً یک افزایش قیمت نیست، بلکه نشانه‌ای از یک تحول عمیق در ساختار اقتصاد جهانی است. «ابرشوک انرژی» که از سوی بانک جهانی مطرح شده، می‌تواند پیامدهایی فراتر از بازار نفت داشته باشد و به تغییرات گسترده‌ای در الگوهای تولید، مصرف و تجارت جهانی منجر شود.

در این میان، نقش سیاست‌گذاران در مدیریت این بحران، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد. تصمیم‌هایی که امروز اتخاذ می‌شوند، نه تنها بر مسیر کوتاه‌مدت اقتصاد، بلکه بر آینده بلندمدت آن نیز تأثیرگذار خواهند بود.

جهان در آستانه یک آزمون بزرگ قرار دارد؛ آزمونی که نتیجه آن، می‌تواند شکل اقتصاد جهانی در دهه‌های آینده را تعیین کند.

است؛ مرحله‌ای که در آن، مسیرهای سنتی تأمین انرژی، به تدریج جای خود را به مسیرهای جدید، پرهزینه‌تر و پیچیده‌تر می‌دهند.

محدودیت در عبور نفت از تنگه هرمز، باعث شده کشورها به دنبال مسیرهای جایگزین از جمله خطوط لوله منطقه‌ای، حمل‌ونقل زمینی و حتی ذخیره‌سازی‌های استراتژیک گسترده‌تر بروند؛ روندی که هزینه تمام‌شده انرژی را در سطح جهانی افزایش می‌دهد.

در همین حال، رقابت برای دسترسی به منابع «امن‌تر» انرژی، به‌ویژه در آفریقا، آسیای مرکزی و آمریکای لاتین شدت گرفته است. شرکت‌های بزرگ نفتی و دولت‌ها در تلاشند قراردادهای بلندمدت‌تری منعقد کنند تا ریسک‌های ناشی از نوسانات بازار را کاهش دهند؛ اما همین روند، خود به کاهش انعطاف‌پذیری بازار و افزایش شکاف میان کشورهای برخوردار و کم‌برخوردار منجر می‌شود. از سوی دیگر، اروپا که پس از بحران اوکراین به سمت تنوع‌بخشی منابع انرژی حرکت کرده بود، اکنون با چالش جدیدی مواجه شده است: افزایش وابستگی به واردات گاز مایع و رقابت مستقیم با آسیا برای تأمین آن. این رقابت، نه تنها قیمت‌ها را بالا می‌برد، بلکه احتمال شکل‌گیری بلوک‌های انرژی منطقه‌ای را نیز تقویت می‌کند.

در چنین شرایطی، برخی تحلیلگران از «پایان جهانی شدن انرژی» سخن می‌گویند؛ مفهومی که به کاهش تجارت آزاد انرژی و افزایش مداخلات دولتی اشاره دارد. هم‌زمان، این بحران می‌تواند روند گذار به انرژی‌های تجدیدپذیر را نیز شتاب دهد، اما نه به‌صورت یک‌نواخت؛ چراکه بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به دلیل محدودیت‌های مالی، همچنان ناچار به اتکا به سوخت‌های فسیلی خواهند بود. به این ترتیب، جهان ممکن است با یک شکاف جدید مواجه شود: شکاف میان اقتصادهایی که توانایی گذار به انرژی‌های و آنها را دارند و آنهایی که در چرخه وابستگی به انرژی‌های سنتی گرفتار می‌مانند. این بازاریابی، در نهایت می‌تواند بازار انرژی و حتی موازنه‌های اقتصادی و سیاسی جهان را نیز دستخوش تغییر کند.

## چشم‌انداز پیش‌رو: آیا جهان آماده است؟

پرسش اصلی این است که آیا اقتصاد جهانی برای مواجهه با چنین شوکی آماده است؟ پاسخ بسیاری از کارشناسان، چندان امیدوارکننده

کرده‌اند وابستگی خود به انرژی روسیه را کاهش دهند، اما بحران جدید، بار دیگر آسیب‌پذیری ساختاری این کشورها را آشکار کرده است.

اظهارات فاتح بیروول، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی، نیز بر همین نکته تأکید دارد. او این بحران را یکی از عمیق‌ترین بحران‌های انرژی در تاریخ معاصر توصیف کرده و هشدار داده که حتی در صورت کاهش تنش‌ها، بازگشت به شرایط عادی ممکن است سال‌ها زمان ببرد.

رسانه‌های اروپایی نیز با اشاره به این اظهارات، از احتمال بازگشت «مستأن‌های سخت انرژی» سخن می‌گویند؛ سناریویی که می‌تواند بار دیگر فشار بر خانوارها و صنایع را افزایش دهد.

## بازار کار؛ بحران پنهان در دل شوک انرژی

یکی از ابعاد کمتر دیده‌شده این بحران، تأثیر آن بر بازار کار است. افزایش هزینه انرژی، به‌ویژه برای صنایع انرژی‌بر، می‌تواند به کاهش تولید و در نهایت، تعدیل نیرو منجر شود. تحلیلگران اقتصادی معتقدند که اگر روند افزایش قیمت‌ها ادامه یابد، بسیاری از بنگاه‌ها ناچار خواهند شد برای کاهش هزینه‌ها، نیروی کار خود را تعدیل کنند. این موضوع، به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، می‌تواند به افزایش نرخ بیکاری و تشدید نابرابری‌های اجتماعی منجر شود.

**ژئوپلیتیک؛ بازی قدرت در بازار انرژی**  
در کنار عوامل اقتصادی، تحولات ژئوپلیتیک نیز نقش مهمی در شکل‌گیری این بحران دارند. تنش‌ها در خاورمیانه، سیاست‌های تحریمی و رقابت میان قدرت‌های بزرگ، همگی به پیچیدگی شرایط افزوده‌اند.

ایالات متحده، چین و کشورهای تولیدکننده نفت، هر یک با اهداف و منافع خاص خود، در تلاش هستند تا جایگاه خود را در بازار انرژی تثبیت کنند. این رقابت، به‌ویژه در شرایطی که عرضه محدود است، می‌تواند به افزایش نوسانات و بی‌ثباتی منجر شود.

## باز آری نقشه انرژی؛ جهان در حال تغییر مسیر

در دل این بحران، یک تحول عمیق‌تر نیز در حال شکل‌گیری است؛ تغییری که شاید اثرات آن از خود شوک قیمتی هم ماندگارتر باشد. بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی معتقدند که جهان در حال ورود به مرحله‌ای از «بازآرایی جغرافیای انرژی»

## از انرژی تا غذا؛ زنجیره‌ای که به بحران ختم می‌شود

یکی از مهم‌ترین هشدارهای مطرح‌شده در گزارش بانک جهانی، سرایت شوک انرژی به سایر بخش‌های اقتصادی است. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که افزایش قیمت انرژی، به‌سرعت به افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل منجر می‌شود و در نهایت، قیمت مواد غذایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در این میان، نقش گاز طبیعی در تولید کودهای شیمیایی، اهمیت ویژه‌ای دارد. افزایش قیمت گاز، مستقیماً هزینه تولید کود را بالا می‌برد و این موضوع، فشار مضاعفی بر بخش کشاورزی وارد می‌کند. نتیجه این روند، کاهش بهره‌وری، افزایش قیمت محصولات غذایی و در نهایت، تهدید امنیت غذایی است.

برنامه جهانی غذا نیز هشدار داده که ادامه این روند می‌تواند میلیون‌ها نفر را در معرض ناامنی غذایی قرار دهد. این موضوع، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه که وابستگی بیشتری به واردات دارند، نگران‌کننده‌تر است.

## تورم، بهره و بدهی؛ موج دوم بحران

شوک انرژی، تنها به افزایش قیمت‌ها محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور مستقیم بر سیاست‌های پولی نیز تأثیر می‌گذارد. افزایش تورم، بانک‌های مرکزی را ناچار به افزایش نرخ بهره می‌کند؛ اقدامی که اگرچه با هدف مهار تورم انجام می‌شود، اما در عین حال، هزینه تأمین مالی را افزایش می‌دهد. در این شرایط، کشورهای که با سطح بالایی از بدهی مواجه هستند، بیش از سایرین آسیب‌پذیر خواهند بود. افزایش نرخ بهره، بازپرداخت بدهی را دشوارتر می‌کند و می‌تواند به بحران‌های مالی گسترده منجر شود.

برخی تحلیلگران در رسانه‌های بین‌المللی، این وضعیت را «دام سه‌گانه» توصیف کرده‌اند: تورم بالا، رشد پایین و بدهی سنگین؛ ترکیبی که می‌تواند اقتصاد جهانی را برای سال‌ها در وضعیت رکود تورمی نگه دارد.

## اروپا و سایه یک بحران تکرار شونده

در اروپا، این بحران در شرایطی رخ می‌دهد که اقتصادهای این منطقه هنوز به‌طور کامل از پیامدهای جنگ اوکراین رهایی نیافته‌اند. بسیاری از کشورهای اروپایی، طی سال‌های اخیر تلاش

جهان با موج تازه‌ای از بی‌ثباتی اقتصادی روبه‌رو شده و افزایش قیمت انرژی، از نفت تا گاز، در حال تبدیل شدن به موتور یک بحران زنجیره‌ای است. گزارش جدید بانک جهانی هشدار می‌دهد که این شوک می‌تواند هم‌زمان تورم، رکود و ناامنی غذایی را در سطح جهانی تشدید کند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- بازار جهانی انرژی بار دیگر در آستانه یک نقطه عطف تاریخی قرار گرفته است، نقطه‌ای که بسیاری از تحلیلگران آن را نه یک نوسان مقطعی، بلکه آغاز یک «ابرشوک ساختاری» توصیف می‌کنند. تازه‌ترین گزارش بانک جهانی درباره چشم‌انداز قیمت انرژی، به‌روشنی نشان می‌دهد که اقتصاد جهانی با مجموعه‌ای از فشارهای هم‌زمان مواجه است، فشارهایی که از بازار نفت آغاز می‌شوند، به زنجیره تولید و غذا سرایت می‌کنند و در نهایت، نظام مالی جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در این میان، آنچه این بحران را از شوک‌های پیشین متمایز می‌کند، هم‌زمانی عوامل ژئوپلیتیک، محدودیت‌های عرضه و شکنندگی ساختارهای اقتصادی پس از همه‌گیری و جنگ‌های اخیر است. بسیاری از نهادهای بین‌المللی، از جمله آژانس بین‌المللی انرژی، هشدار داده‌اند که جهان ممکن است با بحرانی عمیق‌تر از شوک‌های نفتی دهه ۱۹۷۰ مواجه شود.

## نفت؛ از یک کالا تا یک ابزار بحران‌ساز

افزایش قیمت نفت، همواره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بی‌ثباتی اقتصادی بوده است. در شرایط فعلی، قیمت نفت برنت با عبور از مرزهای روانی، به سطوحی رسیده که از سال‌های بحرانی گذشته بی‌سابقه محسوب می‌شود. این افزایش، تنها ناشی از رشد تقاضا نیست، بلکه بیش از هر چیز، به محدودیت‌های شدید عرضه و اختلال در مسیرهای انتقال انرژی بازمی‌گردد.

در مرکز این تحولات، تنگه هرمز قرار دارد؛ گذرگاهی حیاتی که نقش آن در تجارت جهانی انرژی غیرقابل انکار است. پیش از تشدید تنش‌ها، حدود یک پنجم نفت جهان از این مسیر عبور می‌کرد، اما اکنون، محدودیت‌ها و هزینه‌های فزاینده حمل‌ونقل، عملاً این شریان حیاتی را به یک گلوگاه بحران تبدیل کرده است. تحلیلگران غربی در رسانه‌هایی مانند فایننشال تایمز و بلومبرگ، این وضعیت را «شوک عرضه کلاسیک با ابعاد مدرن» توصیف کرده‌اند؛ شوکی که نه تنها از کاهش فیزیکی عرضه ناشی می‌شود، بلکه از نااطمینانی گسترده در بازار نیز تغذیه می‌کند.

## سناریوهای قیمتی؛ از ثبات نسبی تا

### جهش‌های بی‌سابقه

بر اساس برآوردهای بانک جهانی، سناریوی پایه برای سال ۲۰۲۶ نشان‌دهنده افزایش قابل توجه قیمت انرژی است. اما آنچه این پیش‌بینی را نگران‌کننده می‌کند، فاصله قابل توجه میان سناریوی پایه و سناریوهای بدبینانه است. در سناریوی خوش‌بینانه، با بازگشت نسبی جریان صادرات و کاهش تنش‌ها، بازار ممکن است به تعادل نسبی برسد. اما در سناریوهای بدبینانه، تداوم اختلالات یا تشدید درگیری‌ها می‌تواند قیمت‌ها را در سطوحی بسیار بالاتر تثبیت کند.

رسانه‌های اقتصادی داخلی نیز با اشاره به این شکاف سناریویی، بر این نکته تأکید دارند که بازار نفت وارد دوره‌ای از «نوسان ساختاری» شده است؛ دوره‌ای که در آن، پیش‌بینی‌پذیری به‌شدت کاهش یافته و تصمیم‌گیری اقتصادی برای دولت‌ها و بنگاه‌ها دشوارتر شده است.

## شرایط ویژه اشتراک انبوه

برای پیک موتوری‌ها، باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی

## با ما تماس بگیرید:

۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱ - ۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶

## روزنامه

صبح امروز



# بهره برداری از نیروگاه خورشیدی

## ۱۲ مگاواتی تربت جام



خورشیدی از برنامه‌های مدیریت بار تابستان معاف شوند و امکان فروش برق تولیدی را نیز داشته باشند.

وی ادامه داد: در همین راستا تاکنون چهار تفاهم‌نامه در چهار شهرک صنعتی بزرگ استان منعقد شده است و امیدواریم با این اقدامات خراسان رضوی در حوزه ظرفیت و تعداد نیروگاه‌ها به رتبه اول کشور دست یابد. وی در بخش دیگری از سخنان خود خواستار حمایت مسئولان کشوری برای تسریع در اجرای طرح‌های استانی شد و گفت: در خصوص یک نیروگاه ۲۰۰ مگاواتی که ۲۰ مگاوات آن آماده شده است، با توجه به ظرفیت ۸۰ مگاواتی پست فوق توزیع، نیازمند تسریع در صدور مجوزهای لازم برای ۶۰ مگاوات باقیمانده هستیم. همچنین ابلاغ ۲ قرارداد دولتی در استان که مراحل آن تکمیل شده، مورد انتظار است.

خداوند ادامه داد: طرح موج‌های آبی فریمان نیز تجهیزات برای ۱۲ مگاوات تامین شده و برای سه مگاوات باقیمانده نیازمند دستور مساعد مسئولان هستیم تا این طرح‌های بالقوه هر چه سریع‌تر وارد عمل شویم.

### نروم تسریع در تأمین منابع مالی

### طرح‌های تجدیدپذیر

فرماندار تربت‌جام نیز در این مراسم از ورود چهار سایت نیروگاه خورشیدی با ظرفیت مجموع ۱۲ مگاوات به مدار تولید خبر داد.

محسن مهابادی گفت: علاوه بر طرح‌های افتتاح شده مجوز احداث یک نیروگاه ۱۷ مگاواتی دیگر توسط شرکت «احیای سپاهان» در اردیبهشت‌ماه صادر شده که با تأمین زمین، عملیات اجرایی آن به زودی آغاز خواهد شد.

وی اظهار کرد: همچنین احداث یک نیروگاه ۱۷ مگاواتی دیگر توسط همین شرکت در مرحله تأمین زمین بوده و مطالعات اجرایی یک نیروگاه ۳۰ مگاواتی نیز توسط مجتمع «سیمان غرب آسیا» در دست اقدام است.

نیروگاه خورشیدی به ظرفیت ۱۲ مگاوات امروز همزمان با فرا رسیدن «روز ایمنی صنعت برق» طی مراسمی با حضور استاندار خراسان رضوی و مدیرعامل ساتبا در تربت جام بهره برداری شد.

به گزارش ایرنا، استاندار خراسان رضوی پنجشنبه گذشته در این مراسم گفت: این طرح با سرمایه‌گذاری شرکت «توس فیوز» و با تکیه بر توان داخلی اجرا شده است.

غلامحسین مظفری، توسعه انرژی‌های خورشیدی را مسئله‌ای بسیار فراتر از یک راهکار ساده برای رفع ناترازی برق توصیف کرد و افزود: تابش مناسب خورشید در استان باید به عنوان یک مزیت رقابتی و راهبردی برای توسعه زیرساخت‌های انرژی مورد توجه جدی قرار گیرد.

وی ادامه داد: در همین راستا احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر پراکنده یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در حوزه پدافند غیرعامل است، تمرکززدایی از تولید برق و ایجاد نیروگاه‌های متعدد در مناطق مختلف نه تنها پایداری شبکه را در شرایط بحرانی تضمین می‌کند بلکه وابستگی به سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و امنیت انرژی پایدارتری را برای بخش‌های صنعتی و خانگی به ارمغان می‌آورد.

وی با انتقاد صریح از روبه‌واردات کالاهایی که مشابه با کیفیت آن‌ها در داخل کشور تولید می‌شود، تأکید کرد: با اشاره مستقیم به توانمندی‌های داخلی در زمینه تولید تجهیزات برقی از جمله کنتور، واردات این اقلام ضربه‌ای مهلک به پیکره اشتغال‌زایی و صنعت بومی است و باید متوقف شود.

استاندار خراسان رضوی از نقش کلیدی کارآفرینان و صنعت‌گران داخلی قدردانی و با اشاره به تلاش‌های مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان توس فیوز در حوزه تولید تجهیزات بومی، اظهار کرد: حمایت عملی از چنین

بسیار ارزنده توصیف کرد. وی ادامه داد: حدود ۱۴ ماه قبل با حمایت استاندار، ستاد توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر با حضور تمامی دستگاه‌های مرتبط در استان تشکیل شد. در حال حاضر حدود ۶ هزار نیروگاه تجدیدپذیر در استان وجود دارد که از حیث تعداد خراسان رضوی در کشور جایگاه خوبی دارد.

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی گفت: تمرکز ما بر اصول پدافند غیرعامل و توسعه نیروگاه‌های پراکنده به عنوان یک اصل اساسی است.

تولیدکنندگانی تنها راه نجات اقتصاد و حفظ نیروهای متخصص در داخل کشور است و دستگاه‌های اجرایی موظفند خرید محصولات داخلی را در اولویت مطلق خود قرار دهند.

مظفری گفت: استاندار خراسان رضوی و سایر نهادهای متولی، آمادگی کامل دارند تا ضمن رفع موانع مزاحم بوروکراتیک، مسیر سرمایه‌گذاری را برای بخش خصوصی هموارتر از همیشه کرده و از هرگونه طرح توسعه‌های حمایت قاطع اداری و اجرایی به عمل آورند.

### نصب ۶ هزار مگاوات نیروگاه

### تجدیدپذیر در خراسان رضوی

مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق خراسان رضوی نیز در این مراسم گفت: در شرایطی که تکرخی شدن ارزش‌هایی را ایجاد کرده بود، توس فیوز تنها شرکت کنتورسازی بود که بدون تعیین پیش‌شرط برای تعدیل قراردادهای به تعهدات خود عمل کرده و تحویل کنتورها را در موعد مقرر انجام داد.

علیرضا خداوندی همچنین کیفیت اجرای طرح‌های نیروگاهی این شرکت را از منظر فنی، ایمنی و زمان‌بندی

## دیدار مدیران اقتصادی ۲ گذرگاه دوغارون و اسلام قلعه

منجر به گلايه رانندگان و فعالان اقتصادی ۲ کشور شده است، گفت: از این پس ناوگان ایرانی که به مقصد مرز اسلام قلعه از دوغارون خارج می‌شود، پس از تخلیه بار خود و طی انجام مراحل قانونی به کشور برخواهند گشت.

به گفته وی، یکی از مطالبات مهم ملاقات مرزی مدیران مجموعه اقتصادی مرزهای اسلام قلعه و دوغارون، شفاف‌سازی هزینه‌های دریافت شده از رانندگان بود که باید در چارچوب قانون انجام و با متخلفان برخورد شود.

جمشیدی بیان کرد: تعامل، همکاری و همراهی همه دستگاه‌های متولی بخش اقتصادی گذرگاه‌های اسلام قلعه و دوغارون تأیید نقش زیادی در افزایش سطح تعاملات تجاری ایران و افغانستان دارد.

وی اضافه کرد: از همه ظرفیت‌های لازم برای رفع موانع پیش روی این ۲ کانون مهم اقتصادی ایران و افغانستان باید استفاده کرد.



دوغارون و اسلام قلعه در هر ساعت از دیگر موضوعاتی بود که در این ملاقات مرزی بر آن تأکید کردند.

فرماندار تأیید با اشاره به این که توقف و ماندگاری چندین روزه ناوگان حمل و نقل بین‌المللی در مرز دوغارون و اسلام قلعه همواره

به هدف تعیین شده در یک رایزنی هشت ساعته مورد موافقت مدیران دستگاه‌های متولی ۲ کشور قرار گرفت.

وی ادامه داد: رفت و آمد ۱۰۰ دستگاه ناوگان حمل و نقل در مرز ۲ کشور ایران و افغانستان یعنی

فرماندار تأیید از دیدار مدیران اقتصادی ۲ گذرگاه رسمی اسلام قلعه افغانستان و دوغارون به میزبانی شهرستان تأیید خبر داد و گفت: در یک ملاقات مرزی مسابیل مرزی و رفع آنها در جهت تسهیل تردها را بررسی کردند.

به گزارش ایرنا، حسین جمشیدی در حاشیه این ملاقات مرزی درجه ۲ در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: پیگیری مصوبات آخرین دیدار ۲ استاندار خراسان رضوی و والی هرات یکی از مهمترین اهداف این ملاقات مرزی چند ساعته بود.

او با اشاره به این که تردد روزانه ۲ هزار دستگاه ناوگان حمل و نقل بین‌المللی در ۲ سوی مرز یکی از مهمترین برنامه‌های اولویت‌دار در معبرهای رسمی دوغارون و اسلام قلعه است، اظهار کرد: جابه‌جایی کانکس‌های مستقر شده در نقاط صفر مرزی از مسیر تردد ناوگان حمل و نقل بین‌المللی یک اقدام جهادی و عملی بود که برای رسیدن

### خبر

## معلم معمار بنای فردای روشن جامعه

مهندس علی میری - کارشناس ارشد مدیریت آموزشی



دوازدهم اردیبهشت‌ماه روزی برای پاسداشت و نکوداشت طلابه‌داران عرصه‌ی خرد و دانایی، معلمان عزیز است. درخشان هر تمدن‌اند؛ معماران فردای جامعه و نقش‌بندهان الفبای دانایی، آگاهی، عشق و صبر بر جان انسان‌ها.

ققنوس‌وار، از دل خاکستر رنج‌ها برمی‌خیزند؛ عاشقانه می‌شنوند، صورانه می‌آموزند و با روح زلال کلام‌شان، نور یادگیری را بر دل و اندیشه کودکان و نوجوانان می‌تابانند.

به قول فریدون مشیری، «درد فهمیدن و فهماندن و مفهوم شدن، دارند!»

آری معلم!

سپیده‌دم دانایی بر بلندی افق یک جامعه

نسیم صلح و دوستی در باغ جان

عطرافشان صفا، صمیمیت، ایثار و گذشت

جویبار اندیشه و خرد، و صخره‌های استوار بر قلعه‌ی عقل‌گرایی

آموزگار علم و عمل، و آیین‌دار حلم و بردباری

مشعل فروزان شب‌های جهل، و مبارز خستگی‌ناپذیر جبهه‌ی نور

بر ضد تاریکی جمود و نادانی

مرهم شفابخش بر زخم‌های کهنه‌ی روح

راه‌گریز از حصار ظلم و ستم و تن به بردگی ندادن

بشیر آزادی و آزادی و هنر پاسخگو نمودن حاکمان

داور عدالت و برابری، در توجه به هم‌نوع و شنیدن درد و غم او

معمار بنای بلند ادب، فرهنگ و آرامش لامروغ انتقاد‌پذیری،

احترام به قانون و مشارکت عمومی

و خلاصه، تجسم عینی زیبایی انسانیت است.

و این که امروز تمدن‌های بالنده، انتخاب و پرورش معلمان را

نه یک اولویت، که قلب تپنده برنامه‌های توسعه خود قرار داده‌اند

بی‌دلیل نیست.

اوج احترام به مقام معلم در رفتار سلطان قابوس پادشاه فقید

عمان نمایان شد. او برخلاف رسم معمول، برای استقبال از سفیر

جدید هند، خود به استقبال وی رفت، از پلکان هواپیما بالا رفت

و او را در آغوش گرفت.

چون روزی سفیر جدید هند معلم و استاد سلطان قابوس بوده

است.

این عمل نمادین، پیامی قدرتمند داشت:

«مقام معلم از پادشاه بالاتر است»

متأسفانه چون در کشور ما هنوز جایگاه معلم ارزش خود را

نیافته است، گزینش معلمان بعضاً دیمی و سلیقه‌ای انجام می‌شود

و این است که از قافله پیشرفت عقب ماندیده‌ایم.

آموزه‌های گوهرهای تابناک دین فقط در شعرهای فریبنده

خلاصه می‌شود اما دیگران پیام زرین مولای متقیان، حضرت

علی(ع)، به مالک اشتر را به درستی دریافت کرده‌اند و آن‌را به

چنبره عمل در آورده‌اند: «استصلاح اهلبها» و بعد: «عماره بلادها»

فرهنگ‌سازی مقدم است بر عمران و آبادانی؛ زیرا ریشه‌ی هر بنای

استوار، در فرهنگ شکوفای مردمانش نهفته است.

در سریال معلم دهکده؛ نامزد معلم ازش می‌پرسد شما که قاضی

بودید چرا رها کردید و معلم شدید؟

ایشان جواب می‌دهد:

چون وقتی به مراجعینم و مجرمینم که پیش من می‌آمدند

دقیق می‌شدم

می‌دیدم که آنها کسانی هستند که یا آموزش ندیده‌اند و یا

آموزشی که دیده‌اند درست نبوده و به خودم گفتم: به جای

پرداختن به شاخ و برگ باید به اصلاح ریشه بپردازیم.

و ما چقدر به معلم دانا بیش از قاضی عادل نیازمندیم.

ما به معلمانی نیاز داریم که برای فرزندانمان قصه‌هایی بگویند

که بیدار شوند نه قصه‌هایی که به خواب فرو روند.

همواره بیداری وجدان و خرد دلنشین‌تر از خواب است...

دروغ بر شهسواران نبرد با تاریکی جهل و رسولان آیه‌های دانایی

معلمان فداکار، زحمتکش، خستگی‌ناپذیر، بیدار دل و آگاهی

بخش جامعه، به پاس همه تلاش‌ها و فداکاری‌های‌تان سر تعظیم

فرو می‌آوریم.

اندیشه‌تان پر فروغ، همت‌تان بلند و روزتان مبارک.

# از تعدیل نیرو تا کاهش دستمزد



رکود بی سابقه جستجوی کار، توقف جذب نیرو و رواج «کار با حقوق سال قبل» نشان می دهد بازار کار ایران زیر فشار همزمان جنگ و رکود، وارد مرحله ای نگران کننده شده؛ مرحله ای که بیم آن می رود از یک بحران موقت به یک قاعده پایدار تبدیل شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد ۲۴- رکود تاریخی ارسال رزومه، توقف جذب نیرو و روایت های فزاینده از «کار با حقوق سال قبل» نشان می دهد بازار کار ایران وارد فاز تازه ای از بحران شده؛ بحرانی که اگرچه با شوک جنگ و اختلال اینترنت آغاز شد، اما این نگرانی جدی وجود دارد که به یک قاعده پایدار در اقتصاد تبدیل شود.

ثبت ۳۱۸ هزار رزومه در پلتفرم جاب ویژن در یک روز نشانه ای است از بازاری که تعادلش به هم خورده و کفه تقاضا به شکل بی سابقه ای سنگین شده، در حالی که سمت عرضه - یعنی فرصت های شغلی - کوچکتر از همیشه است. داده های منتشر شده از پلتفرم های کار یابی نشان می دهد این رقم حدود ۵۰ درصد بالاتر از رکورد قبلی است؛ جهشی که در شرایط عادی تقریباً غیرممکن به نظر می رسد و فقط در زمانه شوک های بزرگ اقتصادی رخ می دهد.

این افزایش ناگهانی را نمی توان صرفاً به رشد جمعیت جویای کار نسبت داد. بخش مهمی از این موج، محصول «ریزش اشتغال» است؛ نیروهایی که یا به طور مستقیم تعدیل شده اند یا در اثر رکود، پروژه ها و قراردادهایشان از بین رفته است. در کنار آن، پدیده ای دیگر هم در حال شکل گیری است؛ ترس از آینده. بسیاری از شاغلان، حتی بدون از دست دادن شغل خود، به دنبال گزینه های جایگزین هستند. این یعنی بازار کار نه فقط با بیکاری، بلکه با بی ثباتی گسترده مواجه شده است. گزارش های میدانی از بنگاه های اقتصادی - از استارت آپها گرفته تا شرکت های خدماتی و حتی برخی صنایع - نشان می دهد روند جذب تقریباً متوقف شده است. شرکت ها در وضعیت انتظار قرار

گرفته اند؛ نه توسعه می دهند، نه ریسک استخدام جدید می پذیرند. در چنین فضایی، طبیعی است که هر موقعیت شغلی محدود، با سیلی از متقاضیان مواجه شود و کیفیت رقابت برای کار به شدت افزایش یابد.

در همین حال، آمارهای رسمی تصویری دوگانه ارائه می دهند. نرخ بیکاری ۷.۶ درصد اعلام شده؛ رقمی که حتی نسبت به سال قبل اندکی کاهش یافته است. اما کاهش نرخ بیکاری در کنار افت نرخ مشارکت اقتصادی (که نشان می دهد افراد بیشتری از بازار کار خارج شده اند) و رشد جمعیت غیرفعال، این پرسش را جدی می کند که آیا واقعیت بازار کار در این اعداد منعکس شده است؟ وقتی ۸۱۰ هزار نفر به جمعیت غیرفعال اضافه می شوند، آیا این به معنای بهبود است یا ناامیدی از یافتن شغل؟

از سوی دیگر، نرخ بیکاری جوانان همچنان بالاست؛ بیش از ۲۱ درصد برای گروه ۱۵ تا ۲۴ ساله. این یعنی حتی قبل از شوک های اخیر، بازار کار ایران ظرفیت جذب نیروی جدید را نداشت و حالا با فشارهای مضاعف، این شکاف عمیق تر هم شده است.

در مجموع، آنچه امروز دیده می شود، یک عدم تعادل ساختاری است که با شوک های اخیر تشدید شده؛ بازاری که در آن صف متقاضیان هر روز طولانی تر می شود، اما در ورود به اشتغال،

بسته تر از همیشه است.

## تعدیل نیرو یا تثبیت دستمزد؟

اگر در گذشته «تعدیل نیرو» اصلی ترین واکنش بنگاه ها به بحران بود، امروز شکل نرم تر، اما فراگیرتری از تعدیل در حال ظهور است و آن «تعدیل دستمزد» است. به بیان ساده تر، بسیاری از بنگاه ها به جای اخراج نیرو، هزینه نیروی کار را از طریق عدم افزایش حقوق یا حتی کاهش مزایا مدیریت می کنند.

روایت های متعددی از بازار کار حکایت از آن دارد که در سال جاری، برخی کارفرمایان افزایش حقوق سالانه را اعمال نکرده اند و ادامه همکاری را مشروط به پذیرش همان حقوق سال گذشته کرده اند. در شرایط عادی، چنین پیشنهادهای احتمالاً با مقاومت گسترده نیروی کار مواجه می شد، اما در فضای فعلی که سایه بیکاری سنگین تر از همیشه است بسیاری از کارگران و کارمندان از سر ناچاری آن را پذیرفته اند.

این پدیده را می توان نوعی بیکاری پنهان یا اشتغال بی کیفیت دانست. فرد شاغل است، اما قدرت خریدش کاهش یافته و امنیت شغلی اش متزلزل است. در واقع، بازار کار به جای حذف کامل شغل، کیفیت آن را تنزل داده است.

از منظر کارفرما، این تصمیم قابل درک است. بنگاه هایی که با کاهش درآمد، اختلال در زنجیره تأمین یا از دست رفتن بازار مواجه شده اند، ناچارند

هزینه ها را کنترل کنند و نیروی انسانی یکی از بزرگ ترین این هزینه ها است. اما مسئله اینجاست که این راه حل کوتاه مدت، در صورت تداوم، می تواند پیامدهای بلندمدت جدی داشته باشد.

کاهش یا تثبیت دستمزد در شرایط تورمی، به معنای افت شدید قدرت خرید است؛ اتفاقی که نه تنها معیشت نیروی کار را تحت فشار قرار می دهد، بلکه تقاضای کل در اقتصاد را هم کاهش می دهد. این یعنی رکود عمیق تر و بازگشت دوباره فشار به بنگاه ها؛ یک چرخه معیوب که خروج از آن دشوار است.

از سوی دیگر، این وضعیت می تواند به افزایش اشتغال غیررسمی دامن بزند. وقتی کار رسمی دیگر مزیت قابل توجهی ندارد، برخی از نیروی کار ترجیح می دهند به مشاغل غیررسمی یا پروژه ای روی بیاورند؛ مشاغلی که اگرچه امنیت کمتری دارند، اما در کوتاه مدت نفع پذیرتر یا حتی پردرآمدتر به نظر می رسند.

در این میان، یک تغییر مهم نیز در روابط کار در حال شکل گیری است و آن جابه جایی قدرت به نفع کارفرما است. وفور نیروی کار و محدودیت فرصت های شغلی باعث شده دست بالاتر در مذاکره، بیش از گذشته در اختیار کارفرمایان باشد. این عدم توازن، اگر تثبیت شود، می تواند استانداردهای بازار کار را به طور کلی تغییر دهد.

## از شوک موقت تا عادت پایدار؛ خطر

### «نرمال شدن» دستمزدهای منجمد

شاید مهم ترین نگرانی در مورد وضعیت فعلی بازار کار، نه خود بحران، بلکه پیامدهای ماندگار آن باشد. تجربه اقتصاد ایران نشان داده که برخی شوک ها، پس از پایان شرایط اضطراری، به جای بازگشت به وضعیت قبل، به یک «قاعده جدید» تبدیل می شوند. همان طور که افزایش قیمت ها با جهش نرخ ارز بالا می رود، اما با کاهش آن به سختی پایین می آید و به اصطلاح پدیده «چسبندگی قیمت ها» رخ می دهد، این خطر وجود دارد که «عدم افزایش دستمزد» نیز به یک عادت تبدیل شود.

در حال حاضر، بسیاری از کارگران و کارمندان، شرایط سخت را با این فرض پذیرفته اند که وضعیت موقتی است؛ جنگ پایان می یابد، اینترنت به حالت عادی برمی گردد و کسب کارها دوباره رونق می گیرند. اما اگر در دوره پسانشو، کارفرمایان همچنان به سیاست های انقباضی خود ادامه دهند، وضعیت متفاوت و سخت خواهد بود. چنین روندی، پیامدهای چندلایه ای دارد. نخست، کاهش بلندمدت سطح دستمزد واقعی در اقتصاد است، موضوعی که می تواند به افزایش نابرابری و کاهش رفاه عمومی منجر شود. دوم، تغییر انتظارات در بازار کار است، به گونه ای که نسل جدید نیروی کار، سطح پایین تری از دستمزد و مزایا را به عنوان نرم بپذیرد.

از سوی دیگر، این وضعیت می تواند موجی از «مهاجرت پنهان» ایجاد کند، نه لزوماً مهاجرت جغرافیایی، بلکه جابه جایی مداوم میان مشاغل، شرکت ها و حتی حوزه های کاری. نیروی کار به دنبال یافتن شرایط بهتر، مدام در حال حرکت خواهد بود، بدون آنکه الزاماً فرصت های جدیدی خلق شده باشد. نتیجه، بازاری ناپایدار و پر نوسان است که در آن وفاداری شغلی کاهش می یابد و بهرهوری بلندمدت آسیب می بیند.

نکته دیگر، تأثیر این روند بر سرمایه انسانی است. وقتی دستمزدها رشد نمی کنند و چشم انداز بهبود مبهم است، انگیزه برای ارتقای مهارت و سرمایه گذاری روی خود نیز کاهش می یابد. این یعنی در بلندمدت، کیفیت نیروی کار افت می کند و اقتصاد از درون تضعیف می شود.

حال باید دید که آیا سیاست گذار متوجه این تغییر تدریجی، اما عمیق در بازار کار هست؟ رکوردهای آماری و نشانه های میدانی، همگی از یک هشدار مشترک حکایت دارند. اگر امروز برای بازگرداندن تعادل به بازار کار و جلوگیری از تثبیت این الگوهای نگران کننده اقدام نشود، فردا ممکن است با بازاری مواجه شویم که نه تنها شغل کم دارد، بلکه همان شغل های موجود هم کیفیت و پایداری گذشته را ندارند.

## ۵۱۱/۷ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۸۵۶۴/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۲ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض زکبه عبیدی به شش ۵ و شماره ملی ۹۰۱۹۶۵۱۲۱- صادره از کاشمر فرزند چرافعلی از درشداگان اعیانی یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۷۴ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۹۴۷ فرعی از ۷ اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزوار که مع الواسطه از محل مالکیت موقوفه محمدعلی که عرصه ملک موقوفه و رعایت شروط در سند اجازه آزمایشی، محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۰۲۷

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۸ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۸۶۱۸/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۲ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزوار تصرفات مالکانه و بلا معارض مجید ثوابی به شش ۲۷۰۵ و شماره ملی ۷۹۳۵۵۷۱۳۵- صادره از سبزووار فرزند محمد از درشداگان یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۶/۰۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۸ فرعی از ۵ اصلی واقع در بخش ۳ سبزوار که مع الواسطه از محل مالک رسمی جلیل ورخساره شهرت هردو الدافی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۸۴۰

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۹ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۷۵۳۱/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۶ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض حسین گوهری نیکب به شش ۷۹۲ و شماره ملی ۱۸۵۹۸/۷۹۱۰- صادره از سبزووار فرزند محمد رضا از درشداگان یک قطعه باغ به مساحت ۷۸۳/۹۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۸۰ فرعی از ۲۸ اصلی واقع در بخش

۳ سبزووار که مع الواسطه از محل مالک رسمی عباس واصفر ومحمد حسین شهرت همگی کسکتی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۰۲۳

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۱۰ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۸۳۹۱/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۲ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض محمود عباسیون به شش ۱۷۱۲۵ و شماره ملی ۱۳۳۰۱-۷۹۵۰- صادره از سبزووار فرزند علی اکبر از درشداگان یک باب ساختمان به مساحت ۳۷/۹۰ مترمربع قسمتی از پلاک ۵۴۴ فرعی از ۷ اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزووار که مع الواسطه از محل مالک رسمی علی اکبر عباسیون محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۰۲۲

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزوار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۱۱ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۰۱۸۵۰۹/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض غلامعلی اله یاری به شش ۱۵۱۷ و شماره ملی ۷۶۶۹-۷۹۲۸- صادره از سبزووار فرزند صفر در سه دانگ مشاع از درشداگان یک باب ساختمان به مساحت ۱۶۲/۲۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۰ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزووار که مع الواسطه از محل مالک رسمی سید محمود تقوی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۸۳۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۱۲ آگهی موضوع ماده ۳ ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۱۸۵۰۸/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ هیات قانون مذکور مستقر در ثبت سبزووار تصرفات مالکانه و بلا معارض سسکینه اله یاری به شش ۱۱۸ و شماره ملی ۷۹۱۹۴۲۲۶۰- صادره از سبزووار فرزند رمضان در سه دانگ مشاع از درشداگان یک باب ساختمان به مساحت ۱۶۲/۲۱ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۰۰ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ سبزووار که مع الواسطه از محل مالک رسمی سید محمود تقوی محرز گردیده است. لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض دارند می توانند از تاریخ انتشار نوبت اول آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ضمن اقامه دعوی از طریق مراجع قضائی در مهلت یکماهه گواهی تقدیم دادخواست ارائه نمایند. در صورت انقضای مهلت مذکور عدم وصول اعتراض سند مالکیت طبق مقررات صادر خواهد شد. مالف ۴۰۴/۱۸۳۴

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۱/۲۹

تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۲/۱۳

## رئیس ثبت اسناد و املاک سبزووار-علی آب باریکی

## ۵۱۱/۱۳ آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۱۰۲۷۰۸۷/۱۱۰۳۰۶۰۱۱۰۱۴۰۴۶۰ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اصغر حکم آبادی فرزند علیرضا در ششداگان یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۰/۰۶ مترمربع از پلاک شماره ۷۵۰ فرعی از یک اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی خانم مرضیه افتخاری محرز گردیده است. (م الف ۱۸۰۳۹۲-۲) برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۰۶۰۰۵۰۳۷۴۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد زمانی نیشابور فرزند علی اصغر در ششداگان یک باب ساختمان به مساحت ۱۳۸/۲۸ مترمربع از پلاک شماره ۲۱۲ فرعی از ۲۳۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمدابراهیم غلاب محرز گردیده است. (م الف ۷۹۲۸-۱) لذا مراتب به منظور اطلاع عموم در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۱/۲۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۲/۱۳

## محمد بیرم آبادی- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

